وطن امروز
روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز: مهرداد بذرپاش
مدیرمسوول: محمد آخوندی سردبیر: رضا شکیبایی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج) کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تحریریه: ۶۶۴۱۳۷۸۳
نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷ پیام‌گیر: ۶۶۴۱۳۹۴۲
سازمان آگهی‌ها: ۶۱۰۸۶۱۶۳
پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: شرکت رواق روشن مهر

افق

اذان ظهر: ۱۱:۴۹ غروب آفتاب: ۱۷:۲۵
اذان مغرب: ۱۷:۳۱ نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۱۰
اذان صبح فردا: ۵:۰۱ طلوع آفتاب: ۴:۵۸

کلام نور

حج و عمره به جای آرید
تا بدن‌تان سالم و روزی‌تان فراخ شود.
امام سجاد(ع)

سلام وطن

پیامک: ۳۰۰۰۸۸/ تلفن: ۶۶۴۱۳۹۴۲

■ اینکه باید توافقی با غرب صورت گیرد که تمام حقوق ملت ایران و تضمین پیشرفت‌های آتی کشور در علوم مختلف در آن آمده باشد، جزو بدیهیات است. هنر دیپلمات قَدَر و کاربلد این است که خوب امتیاز بگیرد اما آنقدر توافق ژنو را بد بستند و همه چیزهایی که برای مذاکرات اصلی و توافق نهایی باید باقی نگه می‌داشتند را در آن توافق «شگفت‌انگیز» که هنوز هم با گذشت یک سال مطمئناً دیپلمات‌های غربی بویژه جان کری، متعجب از پذیرش آن از سوی آقای دکتر ظریف هستند، رایگان به طرف غیرقابل اعتماد دادند که الان چیزی نیست که بتوان در مقابل آن امتیاز گرفت. هیچ بعید نیست دلیل عصبانیت آقایان هم پی بردن به این اشتباه‌شان باشد.

برخوردار

■ آقای رفسنجانی در آن مدتی که بر صندلی ریاست مجلس خبرگان جلوس کردند که ۲ عالم بزرگوار، انقلابی و کم نظیر مانند مرحوم آیت‌الله مشکینی و مرحوم آیت‌الله مهدوی‌کنی رضوان الله علیهما قبل و بعد از ایشان بر آن به تحکیم جمهوری اسلامی و دفاع از آن پرداختند، چگونه عمل کردند؟ آیا جز این است که در حال ریاست بر یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ارکان نظام اسلامی، دشمنان را امیدوار و دوستان را ناامید از رفتارشان کردند؟ این کلمه‌ای که درباره نمایندگان مردم در مجلس خبرگان به کار بردند، ناپسندنبود؟

اعلا

خبر

تولیت مسجد مقدس جمکران:

دشمنان فسادشان را در قالب اصلاح‌طلبی بیان می‌کنند

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسن رحیمیان تولیت مسجد مقدس جمکران اظهار کرد: دشمن و جریان‌های نفاق در حال حاضر تمام تلاششان این است که ارزش‌ها را ضدارزش و ضدارزش‌ها را ارزش جلوه دهند، البته قرآن اینها را معرفی کرده و می‌فرماید « وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لاَ تُفْسِدُواْ فِي الأَرْضِ قَالُواْ إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ» و چون به آنان گفته شود «در زمین فساد نکنید، می‌گویند ما خود اصلاحگریم». به گزارش روابط عمومی مسجد مقدس جمکران، وی خاطرنشان کرد: در طول تاریخ جریان‌های فساد و مفسدان همواره با ادعای اصلاح‌طلبی در مقابل مصلحان ظاهر شدند و در این راه از ابزار مختلف بویژه هنر استفاده می‌کردند. تولیت مسجد مقدس جمکران عنوان کرد: امروز هنری که در اختیار دنیای غرب است نمونه همین موضوع است به طوری که در این راستا از راه‌های مختلف سعی می‌کنند ارزش و ضدارزش را جابه‌جا کنند. وی گفت: اگر بخواهیم مسائل امروز را درباره فساد و اصلاح تبیین کنیم، در واقع باید بگوییم اسلام آمریکایی و اسلام ناب در تضاد کامل هستند، آن نیز نامش اسلام است و دم از اسلام می‌زند و با استفاده و بهره‌گیری از نام اسلام و احیانا اصلاح‌طلبی و احیانا نام امام و خط امام هدف پلید را پیگیری می‌کند. این عالم دینی تصریح کرد: مردم زمان ما بویژه در ایران و در جاهای دیگری که ارتباط عمیقی با امام پیدا کرده‌اند، کاملا با مردم زمان اباعبدالله‌الحسین(ع) متفاوت هستند، البته آن جریانات و دنیاطلبان هنوز وجود دارند و بدون تردید دنیاطلبان نمی‌توانند در مسیر درست قدم بردارند، همانطوری که امام حسین(ع) در شب عاشورا و در مسیر کربلا در این زمینه جملات زیادی دارند.

وی افزود: امام(ره) می‌فرمایند من به جرأت می‌گویم مردم ایران در عصر حاضر بهتر از مردم حجاز در زمان پیامبر اکرم(ص) و مردم عراق در عصر امیرالمؤمنین و سیدالشهدا(ع) هستند و مردم ما این را به طور عملی نشان دادند، از جمله در زمان انقلاب و حتی پس از آن و در مراحل مختلف سربلند بیرون آمدند. تولیت مسجد مقدس جمکران عنوان کرد: دیدید که در فتنه گسترده ۸۸، مردم با ۹ دی چطور جواب این ماجرا را دادند. در زمان دفاع مقدس نیز ۱۸۸ هزار نفر از بهترین جوان‌ها راه جبهه‌ها را پیش گرفته و به معراج شهادت رفتند و بعد از رحلت امام دشمنان می‌گفتند همه چیز از هم می‌پاشد اما دنیا دید که مردم ۲۵ سال بعد از رحلت امام با قدرت و بصیرت بیشتر پای انقلاب ایستادند.

■ قاب روز

عکس: محمدمهدی موذن، ایرنا

مصلای تهران ــ همایش شیرخوارگان حسینی

■ آنم آرزوست/۱۶۲

زندگی نازل دنیوی

■ حجت‌الاسلام والمسلمین سید سعید لواسانی*

گفتیم غرور که حقیقت آن فریفته‌شدن به زندگی پست دنیوی است، بیماری مهلکی است که هم تشخیص آن سخت است و هم معالجه آن دشوار. دو عامل هم موجب این بیماری است: حیات نازل و پست دنیوی، به عبارت دیگر نفسی که در درون ماست؛ و شیطان که همه ابزار را به کار می‌گیرد تا ما را به زندگی پست دنیوی بفریبد و الصاق کند. لازم است پیش از ادامه بحث توضیحی مختصر درباره زندگی نازل دنیوی بدهم، این اصطلاح را نباید با دنیا یا حیات دنیوی اشتباه گرفت. دنیا و حیات دنیوی مرحله‌ای از مراحل تکامل ما در رسیدن به خداست، مرحله بسیار مهمی هم است، بنابراین نه‌تنها پست نیست، بلکه بسیار هم والا و مهم است. اما ما در دنیا ۲ دسته هستیم: گروهی این حیات را چونان نردبانی برای رسیدن به اهداف متعالی بویژه قرب خدا می‌بینیم و از آن استفاده درست می‌کنیم و گروهی آن را اصالت می‌دهیم و همه همت خود را مصرف آن می‌کنیم و از زندگی اخروی غافل می‌شویم: «**يَعْلَمُونَ ظَاهِراً مِنَ الْحَيَاهِ الدُّنْيا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَهِ هُمْ غافِلُون**» [روم: ۷] اینجاست که حیات پست و نازل می‌شود. بنابراین حیات پست و نازل دنیوی کاملاً به خود ما مرتبط است و جلوه‌ای از ظهورات نفس ماست تا ما را به زمین بچسباند و از خدا و حیات برتر و جاودان اخروی غافل کند. به تعبیر دیگر حیات دنیوی مرتبه‌ای از حیات انسانی است که در صورتی که به حقیقت آن توجه شود، گذرگاه بسیار خوبی برای رسیدن به اهداف متعالی است. اما اگر آن را خانه خود دیدیم، خانه فریب است و ما را در خود گرفتار می‌کند و در حقیقت این اسارت به دست نفسانیت است که ما را به زمین می‌چسباند و به حیات نازله دنیوی اعتماد پیدا می‌کنیم: «**أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ**» [اعراف: ۱۷۶]. بنابراین اولیاء الهی در دنیا هستند و زندگی می‌کنند اما حقیقت حیات آنان الهی است، زیرا دنیا را گذرگاه رسیدن به خدا دیده‌اند. اما برای امثال بنده، این حیات نازل حاکم است زیرا جز ظاهر فریبنده حیات دنیوی را نمی‌شناسم و دربند نفسانیت خود هستم. پس حیات نازل کاملاً به خود ما مرتبط است و در حقیقت فریب نفسانیت بر ماست: «**أَرَى نَفْسِي تُخَادِعُنِي**» [الاقبال: ۱۶۷/۱] امری که در دنیای جدید به خوبی مشهود است اینکه دنیاداران و سیاست‌بازان جهانی برای چندروزه دنیا چگونه تلاش می‌کنند و از حیات ابدی و حقیقی اخروی غافل هستند. و این هشداری به همه ماست که مراقب باشیم و فریب نفس و شیطان را نخوریم، بویژه کارگزاران نظام و نخبگان سیاسی که باید بیشتر مراقب خود و فریب نفس باشند تا گرفتار حیات نازل دنیوی نشوند.

پس وقتی بیشترین همت انسان دنیا شد، این حیات، نازل و پست می‌شود اما اگر دنیا گذرگاه آخرت بود، دنیا هم ما را به اهداف عالی الهی می‌رساند، هم حقایق متعالی را برای ما جلوه‌گر می‌شود و هم قرب الهی را حاصل می‌کند.

بنابراین نفس و شیطان دو عامل غرور ما هستند. نکته ریز و دقیق اینکه ما احساس نمی‌کنیم که تحت فریب این دو هستیم. ما نه القائات ملکی را احساس می‌کنیم و تصور می‌کنیم که خودمان هستیم که کار خوب و نیکویی را انجام دادیم و نه تلقینات شیطانی و تلبیسات نفسانی را احساس و تصور می‌کنیم که خودمان بودیم که فلان سخن را گفتیم و فلان کار را انجام دادیم و فلان رفتار از ما سر زد. این نکته بسیار دقیقی است که هر فکر خوبی که در قلب ما پیدا شد، فرشته‌ای بر ما خواند و هر اندیشه بدی را شیطان به ما تلقین کرد. روایات در این مضمون زیاد است و ما فقط یک روایت را بازگو می‌کنیم.

أَشْبَاط از اصحاب امام صادق علیه‌السلام به ایشان عرض می‌کند: «**إِنِّي رُبَّمَا حَزِنْتُ فَلَا أَعْرِفُ فِي أَهْلٍ وَ لَا مَالٍ وَ لَا وَلَدٍ وَ رُبَّمَا فَرِحْتُ فَلَا أَعْرِفُ فِي أَهْلٍ وَ لَا مَالٍ وَ لَا وَلَدٍ**؟» «چه بسا من غمگین می‌شوم و آن را در خانواده و مال و فرزند خود نمی‌یابم و چه بسا خشنود می‌گردم و آن را در خانواده و مال و فرزندان خود نمی‌یابم. [دلیل آنها چیست؟] فَقَالَ علیه السلام: «**إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ مَعَهُ مَلَكٌ وَ شَيْطَانٌ فَإِذَا كَانَ فَرَحُهُ كَانَ مِنْ ذَوْقِ الْمَلَكِ مِنْهُ فَإِذَا كَانَ حُزْنُهُ كَانَ مِنْ ذَوْقِ الشَّيْطَانِ مِنْهُ.**» [علل‌الشرایع: ۹۳/۱] «امام علیه‌السلام فرمودند: هیچ کسی نیست مگر اینکه با او فرشته و شیطانی است، هنگامی که شادمان می‌شود، به دلیل نزدیکی فرشته با اوست و هنگامی که غمگین می‌گردد، از نزدیکی شیطان با اوست.» بنابراین ما انسان‌های معمولی در وجود خود نفوذ شیطان و فرشته را درنمی‌یابیم در حالی که هر دو در ما نفوذ دارند: پیامبر اعظم «صلی‌الله علیه و آله و سلم» می‌فرمایند: «**إِنَّ لِلشَّيْطانِ لَمَّه بِابْنِ آدَمَ وَ لِلْمَلَكِ لَمَّه فَأَمَّا لَمَّه الشَّيْطانِ فَإِيعادٌ بِالشَّرِّ وَ تَكْذِيبٌ بِالْحَقِّ وَ أَمَّا لَمَّه الْمَلَكِ فَإِيعادٌ بِالْخَيْرِ وَ تَصْدِيقٌ بِالْحَقِّ فَمَنْ وَجَدَ ذَلِكَ فَلْيَعْلَمْ أَنَّه مِنَ اللهِ تَعالى فَلْيَحْمَدِ اللهَ وَ مَنْ وَجَدَ الْأُخْرى فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطانِ.**» [نهج الفصاحه: ۳۳۲] «شیطان بر آدمیزاد نفوذی دارد و فرشته نفوذی. نفوذ شیطان وعده به بدی و تکذیب حق است و نفوذ فرشته وعده به نیکی و تصدیق حق است، هرکس چنین حالی در خود یافت بداند که از جانب خداوند است و او را سپاس گزارد و هرکس حال دیگر را در خود یافت از شیطان به خدا پناه ببرد».

امام جمعه شمیرانات*

■ یادداشت میهمان

روضه مذاکرات؟!

ادامه از صفحه اول

در واقع وجه تمایز نوع مذاکره امام حسین(ع) در کربلا که او را در تاریخ و جهان برجسته کرده است در جمله آقای رئیس‌جمهور حذف شده و جمله کامل این است: «کربلا درس مذاکره با پایمردی بر خطوط قرمز تا شهادت است.» اگرنه در عالم کسانی که معامله کردند و می‌کنند و براساس روش‌های پراگماتیستی چیزی می‌دهند و چیزی می‌گیرند فراوان بوده و هستند و خواهند بود اما امام حسین در کربلا با همه نابرابری‌ها در امکانات و عده لشکر و مهیا بودن هر نوع توجیه کاملاً شرافتمندانه بر نوعی انعطاف نسبت به خط قرمز برای حفظ جان زن و فرزند و یاران خود و به‌رغم قطعی بودن مرگ و نابودی (به‌زبان معمول) حاضر به کمترین انعطاف از خط قرمز نشدند و خود و همه یاران‌شان را (به‌اصطلاح امروزی‌ها) به کشتن دادند و زن و بچه‌ها را هم به آوارگی و اسارت کشاندند. چگونه چنین اقدامی می‌تواند با روش‌های پراگماتیستی، سکولار و تاجرمآبانه همسان باشد؟! اما خط قرمز امام چه بود؛ اینکه امام حسین با یزید، حاکم زمان بیعت کند و به اصطلاح امروز، وی را به کدخدایی بپذیرد. امام حسین(ع) در تمام انواع مذاکرات کربلا با هر یک از طرف‌ها بر پایمردی بر این خط قرمز تا شهادت ایستادگی کرد و همواره تأکید کرد «هیهات منا الذله». براین اساس حسین، حسین شد و کربلا، کربلا! و قرن‌ها مردم لحظه لحظه وقایع، گفت‌وگوها و مذاکرات کربلا را به‌صورت نوحه‌ها، روضه‌ها و مرثیه‌ها سرودند و می‌سرایند و تا ابد خواهند سرود.

۳- اگر این وجیزه احیاناً موجب تکدرخاطر جناب آقای روحانی شود باید این تکدر را متوجه اطرافیانی بفرمایند که چنین دیدگاه‌هایی را برای‌شان تدوین می‌کنند. تکدر خاطر اصلی برای ملت مؤمن و عاشورایی و عاشق حسینی آنگاه حاصل شد که کاملاً نامربوط مذاکرات ژنو به مذاکرات کربلا آن هم در طلیعه ماه محرم تشبیه شد!

خب! حالا دارید یک مذاکره‌ای می‌کنید، یک معامله‌ای می‌کنید، به‌قول خودتان یک معامله برد- برد، یعنی چیزی می‌دهید و چیزی می‌گیرید که اگر اشتباه و غفلت نکرده باشید تازه می‌شود مثل همه معاملات در دنیا، دیگر چرا کربلا و عاشورا و امام حسین(ع) این ناب‌ترین اعتقاد تاریخی و ایمانی، شهادت انقلابی و مقدسات یک ملت را به پایش می‌ریزید؟! در طول تاریخ بزرگانی همچون امام خمینی(ره) به‌رغم کارهای بزرگ و انقلابی و جسورانه‌ای که انجام داده‌اند هیچگاه ذره‌ای از کار خود را به کار بزرگ و الهی امام حسین(ع) در کربلا شباهت نداده‌اند، زبان حال همه بزرگان این بوده است که کارشان حتی در حد گردپای امام حسین هم نبوده است.

جناب آقای روحانی! به‌عنوان یک مشاوره دوستانه و خیرخواهانه خدمتتان عرض می‌کنم که اطرافیان جنابعالی با اشتباهات مکرر در مشاوره‌های‌شان گفتمان بین جنابعالی و اپوزیسیون را در سال اول ریاستتان به وضعیتی رسانده‌اند که معمولاً رؤسای جمهوری در آخر ۸ سال به این موقعیت می‌رسند.

۴- حالا اگر همچنان اصرار دارند مذاکرات ژنو وین شبیه مذاکرات کربلاست پس می‌توان تصور کرد که اگر بخواهند روضه مذاکرات را بخوانند به‌طور استعاره‌ای اینچنین تعزیه‌سرایی می‌تواند باشد: «آی مردم! من درس اصلی‌ای که واقعه امام حسین در کربلا به ما آموخت را در کتابم نوشته‌ام، بگیرید و بخوانید. در آنجا نوشته‌ام که درس کربلا به ما آموخت برای «تأمین امنیت» و برای جلوگیری از کشته شدن خود و یارانمان و برای جلوگیری از اسارت زنان و بچه‌هایمان باید بالاخره به نحوی دم کدخدا را با پذیرش آیین و رسم و رسومی که راه انداخته، دید و در چارچوب این موازین و آداب و رسوم کدخدا باهاش تعامل سازنده و مذاکره کرد تا بالاخره ازش «امان‌نامه» گرفت (حضار گفتند خدا لعنتش کنه). اما ای مردم با اینکه ما کدخدایی این آقا را قبول کردیم و حتی گفتیم کدخدامون باادب و باهوشه اما این نانجیب هنوز حاضر نشده ما را سوار بنزش بکنه (گریه حضار)، میگه هنوز به ما اعتماد نداره، اولش گفت اگر هرچی اضافی داری و ما بگیم و تو هم بدی، شش ماه اول، ماهی یک مشک از آب‌های خودت می‌ذاریم برداری، بعد از شش ماه دیگه بهت اعتماد پیدا می‌کنیم و محاصره را برمی‌داریم می‌ذاریم خودت هر چقدر خواستی از آب‌های خودت بخوری، ما هم گفتیم باشه چشم، ما که چیز زیادی نداریم ولی اگه تو بگی زیادیه و الان لازم نداریم می‌دیم اما هر چی که برای رزق و روزیمون لازم داریم خط قرمز ماست و دیگه به اونا گیر نده! گفت باید ۶ ماه دیگه ببینیم چقدر رزق و روزی لازم دارید، اون موقع معلوم می‌کنیم، گفتیم باشه تو کدخدایی قولت قوله، می‌سپاریم به انصاف که ان‌شاءالله دیگه اذیت نکنی و ما را به‌جاش تکریم کنی! بعدش هر چی خواستند دادیم، آدمای کدخدا تاییید کردند که از هر چی که گفتند زیادیه همه را دادیم، رفت و ماهی هم فقط یک مشک از آب‌های خودمون گرفتیم که به هیچ جامون هم نرسید (گریه حضار). اما حالا نه شش ماه، یک‌سال از اون موقع می‌گذره ولی این نانجیب زده زیرش میگه هنوز اعتماد پیدا نکرده و باید از رزق و روزی و نون شبمون هم بگذریم و بدیم، میگه اصلاً تو رو چه به این جور نون‌ها، برای تو همون نون خشک‌های کپک‌زده قدیمی کافیه! (گریه شدید حضار) میگم آخه پس خط قرمز ما چی میشه؟ میگه خط قرمز چیه، ما که گفته بودیم درمورد مقدار نیازتون به رزق و روزی باید نظر ما رو لحاظ کنی! تازه اگه نظر ما رو هم لحاظ کنی باز محاصره را لغو نمی‌کنیم و نمی‌ذاریم هر چی خواستی از آب‌های خودت برداری! (شیون حضار) باید چند سال به ما تمکین کنی و تمکین‌تو به‌عینه ببینیم که کامله، اون‌وقت تازه بازم مشک مشک می‌ذاریم از آب‌های خودت برداری! (گریه شدید حضار). با اینکه خودم پارسال با کدخدا صحبت کرده بودم و قول داده بود ولی حالا زده زیرش، برای همین سفیرمو فرستادم ده بالایی خدمت کدخدا تا اصرار و التماس کنه شاید به رحم بیاد (گریه حضار)،سفیرم رفت و با دربانیان کدخدا صحبت کرد و بهشون گفت ۱۰ سال پیشم که همین وضع پیش اومده بود؛ ما دو ـ سه سال هر چه گفتین اطاعت کردیم اما باز سر آخر دست ما رو نگرفتین و ما رو تنها گذاشتین با این ایرانی‌های افراطی تندرو. اونا ما رو گوشتاگوش سرمون رو بریدند تیکه تیکه مون کردند (گریه و فریاد حضار در حالی که شدیداً بر سروسینه خود می‌کوبیدند). سفیرم بهشون گفت حالا معجزه شده، ما دوباره زنده شدیم! که با خنده و مسخره کردن دربانیان کدخدا مواجه شد. بهشون گفت نذارید ذلیل بشیم به ما عزت بدید مارو تکریم کنید. اگر این‌بار هم ما رو دست خالی و تنها بذارین، این ایرانیان افراطی و تندرو بدتر از بلایی که شمر و یزیدیان بر سر امام حسین و یارانش آوردند سر ما خواهند آورد و عاشورایی دیگر به‌پا خواهند کرد (گریه شدید با زدن بر سر و سینه). دیگه این قسمت روضه به عاشورا و روضه امام حسین و کربلا وصل شد و معلوم شد که درست گفته‌اند مذاکرات ژنو و وین و نیویورک به‌درستی با مذاکرات کربلا همسان است! و آخر روضه خود را با لعن و نفرین آن گروه ظالم و خشن ایرانی به‌پایان رساندند: برید به جهنم ای کفار، ای مزدوران، ای ناقص‌الخلقه‌ها، ای جاهلان، ای ترسوها، ای دل‌لرزان‌ها، ای بزدل‌ها، ای...

الا لعنة الله علی القوم الظالمین.

یاحسین مظلوم

***دیپلمات باسابقه وزارت امور خارجه**

آب‌وهوا

اراک	۱۳ / ۲۹	زنجان	۳ / ۱۱
اردبیل	۲ / ۵	ساری	۸ / ۱۷
ارومیه	۴ / ۱۳	سمنان	۸ / ۱۷
اصفهان	۴ / ۲۱	سنندج	۴ / ۲۲
اهواز	۱۹ / ۳۳	شیراز	۹ / ۲۸
ایلام	۴ / ۲۲	شهرکرد	۱ / ۲۱
بجنورد	۱ / ۱۱	قزوین	۴ / ۱۶
بیرجند	۴ / ۲۳	قم	۸ / ۱۹
بندرعباس	۲۲ / ۳۳	کرج	۷ / ۱۶
بوشهر	۲۳ / ۳۳	کرمان	۵ / ۲۵
بوموسی	۲۷ / ۳۳	کرمانشاه	۴ / ۲۲
تبریز	۴ / ۱۴	گرگان	۷ / ۱۷
تهران	۱۰ / ۱۸	مشهد	۳ / ۷
خرم‌آباد	۷ / ۲۵	همدان	۱ / ۱۸
رشت	۱۱ / ۱۳	یاسوج	۷ / ۲۴
زاهدان	۱۰ / ۲۸	یزد	۹ / ۲۲

تقویم تاریخ

■ **شهادت آیت الله قاضی طباطبایی، اولین شهید محراب توسط گروهک فرقان (۱۳۵۸ش)**

آیت‌الله سیدمحمدعلی قاضی‌طباطبایی در سال ۱۲۹۲ش (۱۳۳۱ ق) در تبریز دیده به جهان گشود. تحصیلات مقدماتی علوم دینی را در زادگاهش فراگرفت و در ۲۵ سالگی راهی حوزه علمیه قم شد. آیت‌الله‌قاضی در قم از محضر حضرات آیات عظام سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی،سیدمحمدحجت کوه‌کمره‌ای، سیدصدرالدین صدر، سیدحسین بروجردی و حضرت امام خمینی(ره) کسب فیض کرد و به مدارج والایی در علم رسید. وی همچنین پس از مدتی راهی نجف اشرف شد و از درس آیات عظام سیدمحسن حکیم، عبدالحسین رشتی و علامه محمدحسن کاشف الغطاء استفاده‌های شایانی برد. آیت‌الله قاضی در سال ۱۳۳۱ش به تبریز رفت و نمایندگی حضرت امام را عهده‌دار شد. با شروع نهضت اسلامی در سال ۱۳۴۱ش، مبارزات ایشان علیه رژیم پهلوی اوج گرفت و در این راه سختی‌های زندان، شکنجه و تبعید را به جان خرید. به ابتکار این مجاهد نستوه و دیگر یاران انقلاب بود که مراسم چهلم شهدای قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ قم در ۲۹ بهمن آن سال در تبریز برگزار شد که در آن حماسه‌ای جاودان در تاریخ انقلاب اسلامی به ثبت رسید. آیت‌الله قاضی‌طباطبایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی امام خمینی(ره) به عنوان نماینده تام‌الاختیار و امام جمعه تبریز منصوب و در آن خطه مشغول به خدمت شد. این مجاهد سترگ علاوه بر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی به امور علمی نیز اهتمام ویژه‌ای داشت، در طول سالیان عمر پربرکت خویش بیش از ۴۰ اثر ارزنده از خود به یادگار گذاشت که الاجتهاد و التقلید، تاریخ قضا در اسلام، حدیقةالصّالحین، علم امام، رساله در نماز جمعه و الفوائد از آن جمله‌اند. آیت‌الله سیدمحمدعلی قاضی‌طباطبایی در ۱۰ آبان ۱۳۵۸ مصادف با عید سعید قربان، نماز عید را اقامه کرده و در خطبه نماز گفت: «مرا تهدید به قتل می‌کنند. من از شهادت نمی‌ترسم، آماده‌ام و از خدا می‌خواهم.» سرانجام در همان روز بعد از نماز مغرب و عشا و در راه مراجعت به منزل، توسط منافقی از گروهک ضالّه فرقان و در سن ۶۵ سالگی به شهادت رسید.

■ **اعلان جنگ انگلیس به ایران در پی تصرف هرات توسط شاه قاجار (۱۸۵۶م)**

هنگامی که انگلستان در سال ۱۸۵۶م درگیر جنگ کریمه در اروپا بود، ناصرالدین شاه قاجار به تحریک و تشویق روس‌ها که در جنگ کریمه با انگلیسی‌ها درگیر شده بودند به هرات لشکرکشی کرد و با استفاده از گرفتاری انگلیس این شهر را در اول نوامبر ۱۸۵۶م به تصرف خود درآورد. دولت انگلیس در همان روز که هرات به تصرف نیروهای ایران درآمد، به ایران اعلان جنگ داد. بلافاصله۸ کشتی جنگی انگلیس با تعدادی کشتی‌های بخاری و بادی به حرکت درآمده و در ۴ دسامبر همان سال، بنادر و جزایر ایران را در خلیج‌فارس مورد حمله قرار دادند. در نتیجه تا پایان سال، جزیره خارک و بندر بوشهر به تصرف نیروهای انگلیسی درآمد و در ژانویه سال ۱۸۵۷م، سربازان انگلیسی و هندی با پیشروی در داخل خاک ایران، تا ناحیه کرمان پیش رفتند. در همین احوال، قوای انگلیس در حوالی خرمشهر پیاده شده و نیروهای آنان، اهواز را به تصرف خود درآوردند. ناصرالدین شاه که از عاقبت کار بیمناک شده بود، با اعزام نماینده‌ای به پاریس، خواستار میانجیگری فرانسه در این زمینه شد. در نتیجه قراردادی در چهارم مارس ۱۸۵۷م منعقد شد که به موجب آن، دولت ایران تعهد داد در برابر خروج نیروهای انگلیس از ایران، بی‌درنگ هرات را تخلیه و از هرگونه ادعای حاکمیت و سلطنت بر افغانستان صرف‌نظر کند ثانیاً بندرعباس و چابهار را در ازای مبلغ ناچیزی اجاره، به والی مسقط در کشور عمان واگذار کند. بند دوم، موضوعی بود که به هیچ‌وجه ارتباطی به اختلافات ایران و انگلیس نداشت. با این حال دولت هراسان ایران، بلافاصله این قرارداد ننگین را پذیرفت و ناصرالدین شاه بدون اخذ هیچ نتیجه‌ای با سرافکندگی، دستور عقب‌نشینی نیروهای ایران از افغانستان را صادر کرد. از این زمان بود که افغانستان به کلی از ایران جدا شد و تحت‌الحمایه انگلستان قرار گرفت.